



## سردشاخ شدن با کنکور

- خلاصه مطالب دروس
- جزوات بهترین اساتید
- آرایه نکات کنکوری
- مشاوره کنکور
- اخبار کنکوری ها

« همه و همه در سردشاخ شدن با کنکور »

[www.konkoori.blog.ir](http://www.konkoori.blog.ir)



شما هم می توانید

۱- برترین حق و ارتباط موجودات با آن:

برترین حق و حقیقت خداست و هر موجودی حق بودن خود را از او می‌گیرد.

۲- درک انسان از خداوند و راه پیشنهادی قرآن:

هریک از ما با تمام وجود خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم. (برهان فطرت) با وجود این، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر در این باره دعوت می‌کند و راه‌های متفاوتی را به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها درک نیازمندی جهان، در هستی خود، به خداست.

۳- مقدمه اول: یکی از راه‌ها درک نیازمندی جهان در هستی خود به خداست استدلال آن به شرح زیر است:

الف - وجود و هستی‌اش از خود او سرچشمه نمی‌گیرد.

ب - اشیای پیرامون ما نیز همین گونه‌اند؛ حیوانات، گیاهان، سنگ‌ها، فلزات، زمین، ستاره‌ها و کهکشان‌ها پدیده‌هایی هستند که یک زمانی نبوده‌اند و سپس پدید آمده‌اند.

ج - هیچ پدیده‌ای را نمی‌توان یافت که «به خود» متکی باشد.

ممکن بود که نباشیم، این واقعیت را نمی‌توانیم انکار کنیم که اکنون هستیم.

۴- مقدمه‌ی دوم:

الف - هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، برای موجود بودن نیازمند به دیگری است؛ همان‌طور که اگر چیزی خودش شیرین نباشد، برای شیرین شدن، نیازمند به چیز دیگری است.

ب - ذات نیافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش

ج - یک چیز، فقط در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد.

در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده ندارد و خودش همواره هست.

۵- نتیجه:

ما و مجموعه‌ی پدیده‌های جهان، در پدید آمدن و هستی یافتن به دیگری نیازمندیم. آن دیگری که به ما هستی بخشیده، خودش مستقل و قائم به خود بوده و هستی از او جدا نمی‌شود. این وجود برتر و متعالی «خدا» است.

با توجه به این دو مقدمه، در می‌یابیم که



## ۶- نیازمندی جهان به خدا در بقا:

- الف - نیازمندی موجودات به خداوند، منحصر به مرحله‌ی «به وجود آمدن» و «پدیدار شدن» نمی‌شود ؛ بلکه در تمام مراحل هستی و زندگی به او نیازمندند. چرا؟
- ب - هستی موجودات به خداوند وابسته است.
- ج - رابطه‌ی وجود داشتن ما با خداوند مانند رابطه‌ی پرتوهای نور با منبع آن است. همان‌طور که اگر رابطه‌ی نور با منبع آن قطع شود، اثری از نور باقی نمی‌ماند، اگر رابطه‌ی جهان با خداوند قطع گردد، دیگر اثری از جهان باقی نخواهد ماند.
- د - به همین جهت در قرآن کریم، خداوند «غنی» خوانده شده است و انسان‌ها و سایر مخلوقات «فقیر»، و این نسبت هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند.
- ه - هرچه انسان در کسب کمالات پیش رود، نسبت به دیگران غنی‌تر و کامل‌تر می‌شود؛ اما نسبت به خداوند همچنان فقیر است. زیرا خود و همه‌ی کمالاتش از خدا سرچشمه می‌گیرد.
- و - همچنین، انسان‌ها هر قدر که به معنای حقیقی کامل‌تر؛ فقر و نیازمندی خود به خداوند را بهتر درک می‌کنند و بندگی و عبودیتشان در پیشگاه خداوند قوی‌تر و بیشتر می‌شود.

## ۷- دو روایت از امیرمؤمنان علی(ع):

- الف - الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلِّي لَخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ  
سپاس خدای را که با آفرینش خود برای آفریدگان تجلی کرد.
- ب - مَا رَأَيْتَ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتَ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ  
هیچ چیزی را ندیدم مگر این که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن مشاهده کردم.

- ۸- این که انسان در پشت پرده‌ی ظاهر و در وراء هر چیزی، خدا را ببیند، معرفتی برتر و عمیق است که در قدم نخست مشکل به نظر می‌آید، اما هدفی امکان‌پذیر و در دسترس است، به‌خصوص برای جوانان؛
- زیرا بستر اصلی حرکت به سوی این هدف، پاکی و صفای فطری قلب است که در اغلب جوانان و نوجوانان وجود دارد.

## ۹- توحید:

- مهم‌ترین اعتقاد دینی و پایه و اساس آن است.  
بدون اعتقاد به آن، هیچ اعتقاد دینی دیگر ارزش و اعتبار ندارد.

- ۱۰- نگرش توحیدی بر تمام آیات قرآن سایه افکنده و مانند روحی در پیکره‌ی معارف و احکام دینی حضور دارد و به این پیکره، حیات بخشیده است.



۱۱- توحید، به معنای «یگانگی و بی‌همتایی» است.  
و اعتقاد به توحید، یعنی اعتقاد به این که خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد.

۱۲- منظور از توحید ذاتی این است که:

۱- خداوند در ذات خود یکتاست.

۲- او تنها ذاتی است که از هیچ جهتی به هیچ موجودی نیازمند نیست.

۳- او تنها مبدأ و خالق جهان است.

۴- موجودات همه از او هستند و او از چیزی به وجود نیامده است.

۵- به عبارت دیگر، جهان نه از اصل‌های متعدد پدید آمده و نه به اصل‌های متعدد باز می‌گردد؛ از یک اصل پدید آمده و به همان نیز باز می‌گردد.

۱۳- شرک ذاتی

در مقابل توحید ذاتی، قرار دارد.

و بدین معناست که دو یا چند خدای مستقل و بی‌نیاز وجود دارند و هر کدام خالق بخشی از جهان هستند. با این‌که با همکاری یک‌دیگر، به‌طور دسته‌جمعی این جهان را آفریده‌اند.

اعتقاد به خدایان متعدد و چند مبدأ برای جهان، گاه در میان برخی جوامع وجود داشته است.

این افراد گاهی برای نور و ظلمت دو خدای جداگانه، و گاهی برای پدیده‌های گوناگون طبیعی (مانند باران، زمین، باد و ...) چندین خدا در نظر می‌گرفتند و می‌پرستیدند.

۱۴- پس از پذیرش تنها یک مبدأ برای جهان، می‌گوییم:

الف- خداوند برای اداره‌ی جهانی که خود آفریده، نیاز به هیچ‌یک از مخلوقات خود ندارد.

ب- هیچ مخلوقی در کارهای خویش بی‌نیاز و مستقل از خدا نمی‌تواند عمل کند؛ زیرا هر موجودی هرچه دارد از خدا دارد.

ج- هر فعلی و هر کاری در جهان، متکی به نیرو و قدرت خداست و همه‌ی آثاری که از مخلوقات ظاهر می‌شود به اذن و اراده‌ی اوست.

د- آفتاب در رویش گیاه مؤثر است و باران در سرسبزی زمین و ماه در روشن نمودن شب. ولی هیچ‌کدام آن‌ها قدرتی از خود ندارند، بلکه این خداوند است که به آن‌ها نیرو بخشیده و قدرت تأثیرگذاری را به مخلوقات خویش عنایت کرده است.



### ۱۵- شرک افعالی:

- ۱- در مقابل توحید افعالی، «شرک افعالی» قرار دارد.
- ۲- اگر کسی تصور کند که مخلوقات، در افعال و کارهای خود مستقل از خدا عمل می‌کنند و خداوند برخی از کارهای جهان را به مخلوقات خود واگذار کرده، گرفتار این نوع از شرک شده است.
- ۳- گاهی شرک افعالی به‌طور مخفی و پنهان وارد اندیشه‌ی برخی انسان‌ها می‌شود. به‌طور مثال، کسی که فکر کند آب و دارو در رفع تشنگی و در شفابخشی، مستقل از خداوند تأثیر می‌گذارند، به شرک خفی دچار شده است.
- ۴- استفاده از عبارتهایی مانند «ان شاء الله»، «اگر خدا کمک کند» و یا «به امید خدا»، که در فرهنگ دینی رایج است، ← به معنای دوری از شرک خفی و توجه به قدرت و اراده‌ی الهی در همه‌ی امور است.

### ۱۶- ابعاد و شاخه‌ی توحید افعالی:

- الف) توحید در مالکیت
- ب) توحید در ولایت
- ج) توحید در ربوبیت

### ۱۷- توحید در مالکیت:

- چون مخلوقات جهان و آثارشان از خداست، مالک اصلی و حقیقی آن‌ها نیز فقط خداوند است و در مالکیت او شریکی وجود ندارد.

### ۱۸- توحید در ولایت:

- الف- چون خداوند مالک حقیقی جهان است، بر آن ولایت دارد. یعنی، هرگونه تصرف در جهان، حق او و شایسته‌ی اوست.
- ب- و اگر به کسی اذن ولایت دهد، این اذن به معنای واگذاری ولایت خود به دیگری نیست؛ ولایت چنین کسی فقط مسیر و مجرای ولایت خداست و آن شخص هیچ استقلالی در ولایت خود ندارد.



## ۱۹- توحید در ربوبیت:

«رب» آن صاحب اختیاری است که تدبیر امور به دست اوست.

الف- خداوند که تنها مالک و ولی جهان است، به طور طبیعی مدیریت، تدبیر و پرورش همه‌ی مخلوقات را نیز در اختیار دارد. اوست که مخلوقات جهان را تدبیر می‌کند. و به سوی آن مقصدی که برای آنها معین فرموده است، هدایت می‌کند و به پیش می‌برد.

ب- شرک در ربوبیت بدین معناست که: انسان در کنار ربوبیت الهی، برای ربوبیت خود یا سایر مخلوقات حسابی جداگانه باز کند و فکر کند آنها، مستقل از خداوند، می‌توانند امور را تدبیر کنند.

گاهی نیز انسان ممکن است تا آنجا پیش رود که به کلی ربوبیت الهی را فراموش کند.

ج- توحید در ربوبیت: الف- بدان معنا نیست که موجودات - به‌خصوص انسان - قدرت پرورش و تدبیر ندارند؛

باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند، رشد این درختان نتیجه‌ی تدبیر اوست.

ب- بلکه، بدین معناست که این باغبان و تدبیرش، همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند.

## ۲۰- توحید صفاتی:

الف- این قسم از توحید به این معناست که میان ذات خداوند و صفات او، و میان صفاتش با یک‌دیگر جدایی و دوگانگی نیست، و صفاتش عین ذاتش می‌باشد.

ب- این قسم از توحید که مولا علی(ع) آن را عالی‌ترین مرتبه‌ی توحید می‌شمارد، نیازمند معرفت عمیق‌تری است و از توضیح آن می‌گذریم.

۲۱- پس از این‌که انسان خدا را به یگانگی شناخت و دانست که تنها وجود مستقل و تنها مبدأ جهان خداست (توحید ذاتی). و همچنین دانست، تنها اوست که جهان را اداره می‌کند (توحید افعالی).



## ۲۲- توحید در عبادت (توحید عملی)

- الف- پس از شناخت خداوند به عنوان تنها مبدأ و آفریننده ی جهان و تنها سرچشمه ی خوبی ها و زیبایی ها و آگاهی به این که او تنها مالک، سرپرست، اداره کننده و تنها تکیه گاه و پشتیبان جهان است.
- ب- این نتیجه به دست می آید که:
- تنها وجود شایسته ی پرستش و اطاعت، یعنی تنها معبود واقعی انسان ها خداست.
- اطاعت از هر موجود دیگری اگر براساس اطاعت خداوند نباشد، نابجا و غلط است.
- ج- بنابراین طبق فرمان الهی، اطاعت از رسول گرامی او و اطاعت جانشینان آن حضرت لازمه ی توحید عملی است.
- زیرا حکم و فرمان الهی از طریق رسول خدا(ص) و جانشینان بزرگوار آن حضرت به مردم می رسد و بدون تبعیت و اطاعت از آنان، اطاعت از خداوند ممکن نیست.
- د- پس توحید در عبادت، که توحید عملی هم خوانده می شود، آن است که: فقط خدای یگانه را پرستش کنیم و کارها و رفتارهای خود را به قصد اطاعت از او و برای کسب رضایت او انجام دهیم.
- ه- توحید عملی دارای دو بُعد فردی و اجتماعی است که به تبیین هر کدام می پردازیم.

## ۲۳- الف) بُعد فردی توحید عملی:

انسان موحد:

- ۱- کسی که تلاش می کند فقط خدا را پرستد و از او اطاعت نماید.
- ۲- او می کوشد کشش ها و تمایلات درونی و تصمیم ها و فعالیت های خود را به گونه ای سامان دهد که ← در یک هماهنگی مناسب، سمت و سوی خدایی بگیرد و بر محور بندگی او باشد.
- ۳- چنین فردی در انتخاب همسر، انتخاب شغل، انتخاب دوست، در تحصیل، گردش، ورزش و مجموعه ی برنامه ریزی های خود، خدا و رضایت او را در نظر دارد.
- ۴- او به میزانی که در این جهت پیش می رود، تضادهای درونی خود را حل می کند و امیال و غرایز خود مانند میل جنسی، میل به قدرت و میل به ثروت را چنان تنظیم و کنترل می نماید که راه برای ظهور گرایش های برتر، مانند حقیقت طلبی، عدالت خواهی، نوع دوستی و احسان و جوانمردی باز شود و آرامشی زیبا وجود او را فرا گیرد.
- ۵- چنین انسانی دارای شخصیتی یگانه و در جهت عبودیت و پرستش خداست.

## ۲۴- شرک عملی:

در مقابل توحید عملی، قرار دارد.

- در مرتبه ی اول، پرستش غیرخداست که به آن شرک جلی (آشکار) گفته می شود.
- در مرتبه ی دوم آن است که انسان، به جای تبعیت از خداوند و کسب رضایت او، از هوای نفس خود یا دیگری اطاعت کند و کارهایش را برای رسیدن به خواسته های نفسانی و یا خوشامد دیگران انجام دهد.
- این نوع از شرک را که حتی برای یک مسلمان و مؤمن هم می تواند رخ دهد، شرک خفی (پنهان) می گویند.



۲۵- انسان مشرک، فردی است:

که تحت سلطه‌ی تمایلات و خواسته‌های متضاد نفسانی خود و دیگران قرار دارد.  
چند شخصیتی با جهت‌گیری‌های متفرق و سمت و سوهای پراکنده و در خدمت معبودهای گوناگون.

۲۶- بُعد اجتماعی توحید عملی:

بُعد اجتماعی توحید عملی به معنای یگانگی و یکپارچه شدن نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه‌جانبه از اوست.

چگونگی تحقیق:

الف- جامعه از افراد گوناگون و نهادها و سازمان‌های مختلف تشکیل شده است.

ب- اگر این افراد بکوشند که در روابط خود با یکدیگر، به جای خواسته‌ها و تمایلات خود، فرمان الهی را حاکم کنند و مناسبات سیاسی و اقتصادی و روابط فرهنگی را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم نمایند، بُعد اجتماعی توحید عملی تحقق می‌یابد.

۲۷- تشابه و تناسب میان بُعد فردی و توحید عملی و بُعد اجتماعی آن:

الف- همان‌طور که اگر کسی که در مسیر توحید عملی گام بردارد، به شخصیتی متوازن، متعادل و زیبا می‌رسد.

ب- در جامعه‌ای نیز که در مسیر توحید حرکت کند، نه تنها ستمگران بر مردم حاکم نمی‌شوند، بلکه روابط فرهنگی و مناسبات اقتصادی نیز به تعادل، توازن، هماهنگی و انسجام می‌رسد و به جامعه‌ای زیبا تبدیل می‌شود و عدالت اجتماعی در همه‌ی ابعاد آن واقعیت می‌یابد.

۲۸- اگر هر یک از افراد جامعه، خواسته‌ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور

فعالیت‌های اجتماعی خود قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند:

الف- تفرقه و تضاد در جامعه را فرا می‌گیرد و امکان رشد و تعالی از بین می‌رود.

ب- همواره در چنین جامعه‌ای انسان‌های ستمگر و مستکبر، قدرت اجتماعی و سیاسی را به دست می‌آورند و انسان‌های دیگر را در خدمت امیال خود به کار می‌گیرند. این همان شرک اجتماعی که با سلطه و فرمانروایی ستمگران همراه است.

ج- در این‌گونه جوامع سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان‌های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست.

۲۹- سه قسم اول توحید:

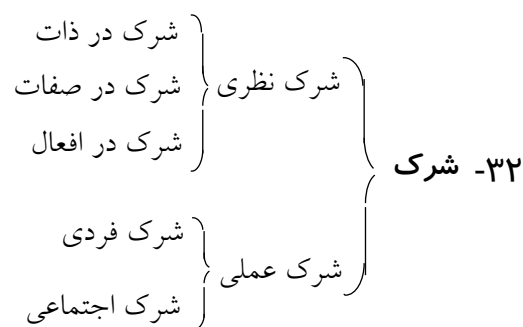
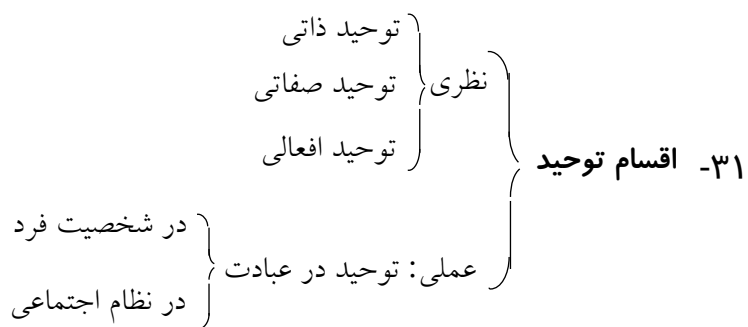
یعنی: توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی بیانگر نظر و اعتقاد یک انسان موحد درباره‌ی خداوند است به همین دلیل همه‌ی آن‌ها از نوع توحید نظری است.

۳۰- توحید در عبادت: مربوط به جلوه‌ی توحیدی در اعمال و رفتار ماست و از این‌رو توحید عملی نیز

نامیده شده است. خود دارای دو بُعد یا دو جنبه است: فردی و اجتماعی.







## ۳۳- دژ مستحکم توحید کلمه‌ی «لا اله الا الله»:

۱- مهم‌ترین شعار اسلام و جامع همه‌ی ابعاد توحید است.  
 ۲- در نظر داشتن و توجه به آن در طول روز و تفکر در آن بسیار ارزشمند و موجب فلاح و رستگاری است.

۳- از همین‌رو، پیشوایان ما توصیه کرده‌اند که این کلمه را در طول روز تکرار کنیم تا حقیقت آن در وجود ما نفوذ یابد و با جان ما عجین شود و برای آن، پاداش‌های بزرگی ذکر کرده‌اند.

۴- پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «بهای بهشت لا اله الا الله است.»

۵- از این‌رو هرچه انسان به درک بالاتر و ایمان قوی‌تری نسبت به این عبارت برسد، بیش‌تر از گناه در حضور خداوند و سرپیچی از راهنمایی‌های او دوری می‌کند. به همین جهت این کلمه دژی است که انسان را از گناه حفظ می‌کند و به مراتب بالاتری از زیبایی‌ها و کمال‌ها می‌رساند.

۶- این عبارت دربردارنده‌ی توحید نظری و توحید عملی و در واقع، دربردارنده‌ی همه‌ی ابعاد شخصیتی یک انسان موحد است.

۷- از همین‌رو، رسول خدا (ص) به مردم فرمود:

قولوا

بگویند

لا اله الا الله

هیچ معبودی جز خدا نیست.

تفلحوا

تا رستگار شوید.

۸- و پیامبر (ص) فرمود: «نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه‌ای پرمحتوا همانند «لا اله الا الله» نگفته‌ایم.»

۹- گرچه این کلمه جامع همه‌ی ابعاد توحید است، اما از آن‌جا که انسان‌ها بیش‌تر گرفتار شرک عملی می‌شوند و معبودهای دیگری جز خدا را می‌پرستند، این عبارت بیش از هر چیزی ناظر بر توحید عملی و دعوت‌کننده‌ی به آن است.

۱۰- خداوند این کلمه را «دژ مستحکم خود» نامیده است.

## ۳۴- توحید و شرک در جهان امروز:

توحید محور و روح زندگی دینی است.

شرک محور و روح زندگی غیر دینی است.

۳۵- توحید نظری، زمانی میوه‌ی خود را می‌دهد که از مرحله‌ی شناخت ذهنی به مرحله‌ی ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت شود. یعنی انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچک‌ترین حوادث عالم حضور دارد. و چرخ خلقت با تدبیر خداوند می‌گردد.

۳۶- قرآن کریم معیار ثابت شرک و بت‌پرستی را به ما ارائه نموده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهده‌ی خودمان قرار داده است.



۳۷- معیارهای ثابت شرک و بت پرستی از نظر قرآن

- ۱- گرفتن ارباب‌هایی جز خداوند
- ۲- روی آوردن به جهت‌های جز جهت او
- ۳- پذیرش سرپرستی جز او
- ۴- عبودیت کسانی جز او
- ۵- خارج کردن خداوند از محوریت زندگی و قرار دادن غیر او در این محور

۳۸- ریشه‌ی بت‌پرستی و شرک جدید آن است که برخی از انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می‌دهند.

۳۹- انسان، همواره بر سر دو راهی بندگی خداوند یا بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی صحنه‌ی انتخاب یکی از این دو راه است.

۴۰- خداوند از ما می‌خواهد از عبادت شیطان دور شویم و به بندگی خدا درآییم. این خواست را خداوند به صورت یک گرایش در فطرت ما قرار داده و به وسیله‌ی پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است.

۴۱- اخلاص در بندگی به معنای یگانه شدن انسان برای خداست، به طوری که تمام جهت‌گیری‌های زندگی سمت و سوی الهی پیدا کند و همه‌ی کارها فقط برای رضای او و تقرب به او انجام پذیرد و هوای نفس در آن‌ها راه نداشته باشد.

۴۲- اخلاص در بندگی معنای دیگری از توحید عبادی است و به هر میزانی که درجه‌ی اخلاص انسان بیش‌تر باشد، مقامش نزد خداوند گرامی‌تر و درجه‌اش در بهشت بالاتر است.

۴۳- حسن فعلی و فاعلی:

الف- هر عملی از دو جزء تشکیل شده است:

- اول: نیت، که به آن هدف یا قصد نیز می‌گوییم. به منزله‌ی روح عمل است که به آن حیات می‌بخشد.
- دوم: شکل و ظاهر عمل که در حکم جسم و کالبد عمل است. که بدون نیت، کالبد بی‌جانی بیش نیست.
- ب- در انجام هر عمل، دو شرط لازم است:

شرط اول «حسن فاعلی»: هم باید نیت خالص الهی داشت.

شرط دوم «حسن فعلی»: و هم باید مطابق با شکلی که خدا فرمان داده است، انجام شود.

ج- حسن فعلی به دنباله‌ی حسن فاعلی است یعنی کسی که قلباً با خدای خود خالص است و فقط رضایت او را می‌جوید، اگر بداند خداوند فرمان داده که عملی مانند نماز به شکل خاصی انجام شود، او نیز به همان شکل انجام خواهد داد و این اولین قدم در دوستی خالصانه با خداوند است.



۴۴- میوه‌های درخت اخلاص:

اولین ثمره‌ی اخلاص عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فرد با اخلاص است. به تدریج که انسان رشته‌های اخلاص را محکم می‌کند توانایی شیطان در وسوسه کردن کم می‌شود تا جایی که به هیچ‌وجه نمی‌تواند در وی تأثیر بگذارد.

۴۵- ثمره‌های دیگر اخلاص:

- ۱- احساس اطمینان و آرامش روانی
- ۲- زندگی سالم و به‌دور از فساد
- ۳- احساس لذت واقعی از زندگی خود
- ۴- نجات از دغدغه‌ها و اضطراب‌ها
- ۵- کسب زیبایی‌های معنوی در عین بهره‌مندی از لذت‌های دنیا

۴۶- بالاترین میوه‌ی اخلاص در بندگی: دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه خداست. بنا به تعبیر امیرمؤمنان نهایت آرزوی عارفان، دوست دل‌های راست روان، ولی مؤمنان و معبود عالمیان است دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه خداست.

۴۷- برنامه‌های رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص:

- ۱- تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری
- ۲- افزایش معرفت به خداوند
- ۳- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او
- ۴- یاد معاد و روز حساب
- ۵- اهتمام به عمل صالح

۴۸- ۱- تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری:

الف) اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص حق‌پذیری است.  
ب) کسی که در مقابل حق تسلیم و خاضع است، به آسانی وارد مسیر بندگی می‌شود و به سرعت راه موفقیت را می‌پیماید.

ج) افراد حق‌پذیر تابع دلیل هستند و وقتی عقل آنان حقیقتی را یافت، به دنبال آن می‌روند.  
د) دو ندا دل را به سوی خود دعوت می‌کند، ندایی از عقل و ندایی از هوس. با اندکی تأمل می‌توان فهمید که دل ما به کدام ندا پاسخ می‌دهد. (عقل ← ← ← ← دل ← ← ← ← هوی و هوس)

۴۹- ۲- افزایش معرفت به خداوند:

به هر میزان که معرفت ایمان ما به خداوند بیش‌تر شود و او را عمیق‌تر بشناسیم انگیزه‌ی ما برای عبودیت و بندگی نیز افزایش می‌یابد.



۵۰- ۳- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او:  
نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او، محبت خداوند را در قلب تقویت می کند، غفلت را کنار می زند و انسان را از امدادهای او بهره مند می کند.  
نماز:

- ۱- در میان مناجات‌ها و دعاها، نماز جایگاه ویژه‌ای دارد.
- ۲- عبادتی است که خداوند خود به ما آموزش داده و از ما خواسته است که با او این‌گونه سخن بگوییم.
- ۳- حداقل پنج نوبت در شبانه‌روز انجام می‌شود.
- ۴- به‌طور مداوم ما را به یاد خدا می‌اندازد و حضور او را در زندگی ما تقویت می‌کند.

#### ۵۱- ناسپاسی:

با وجود چنین رابطه‌ی میان خالق و مخلوق، گاهی آدمی حرمت خود را می‌شکند. گام در ناسپاسی می‌گذارد و خود را به گناهانی آلوده می‌کند. و از مسیر رستگاری دور می‌شود.  
گاهی نیز حرمت‌شکنی به تدریج افزایش می‌یابد و دامنه‌ی گناه آن‌چنان گسترده می‌شود که:  
الف- چراغ عقل و فطرت به خاموشی می‌گراید.  
ب- در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می‌شود.  
ج- و آدمی، پشت به خدا، به سویی که شیطان وسوسه‌اش می‌کند، قدم بر می‌دارد.

\*\*\*

اکنون که در آن گرفتار آمده و خود را بدان عادت داده، آن تنفر اولیه را نیز فراموش کرده است.  
«توجیه» گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه‌های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.

#### ۵۲- ۴- یاد معاد و روز حساب:

الف) یکی از راه‌های بسیار مؤثر برای تقویت عبودیت و اخلاص توجه مداوم به این حقیقت است که همه‌ی ما حیات جاودانه‌ای در پیش داریم که کیفیت و چگونگی آن در همین جهان و به دست خود ما تعیین می‌شود.  
ب) همه‌ی ما باید، به‌طور مداوم بنگریم که چه چیزی برای فردا آماده کرده‌ایم. (حشر، ۱۸)  
«ساکنان آتش» با «یاران بهشت» یکسان نیستند و فقط یاران بهشت هستند که نجات می‌یابند. (حشر، ۲۰)

ج) «ای نفس به آرامش رسیده، خشنود و خدایند به سوی پروردگارت باز گرد، در میان بندگان خودم در آی، و در بهشت خودم داخل شو.» (فجر، ۲۷ تا ۳۰)



۵۳- ۵- اهتمام به عمل صالح:

\* قرآن کریم غالباً ایمان را قرین عمل صالح معرفی می‌کند.

\* قرین بودن ایمان و عمل صالح یعنی انسان وقتی مسیر حق و حقیقت را شناخت، پای در میدان عمل می‌گذارد و هیچ‌گاه و با هیچ بهانه‌ای، دست از کار و تلاش و مجاهدت بر نمی‌دارد.

۵۴- انقلاب علیه خود:

در میان موجودات پیرامون ما، گیاهان، به میزانی اندک و حیوان‌ها قدری بیش‌تر، می‌توانند در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند و مسیر حرکت را عوض کنند و اما هیچ‌کدام از این‌ها توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

۵۵- انسان، موجودی است که نه تنها توانایی ایستادن در برابر موانع خارجی را دارد. بلکه می‌تواند در برابر خود قیام کند و انقلابی را علیه خود سامان دهد.

۵۶- وجود ما سرشته است با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش و به زیبایی‌ها و کمالات متعالی.

۵۷- همه‌ی ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم و رشته‌ی محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می‌یابیم.

«خدایی» شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست. (فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (قمر، ۵۵))

۵۸- خداوند با لطف و مهربانی بی‌پایان خود:

گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست.

همه‌ی ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته است.

کوچک‌ترین همت ما را با پاداش‌های بزرگ پاسخ می‌دهد.

کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید.

او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.



## ۵۹- تأثیر گناهان:

الف- شدت تخریب گناهان یکسان نیست. برخی گناهان تأثیرشان ضعیف، و برخی شدید و شدیدتر است.

ب- گناهان بزرگ

- به سرعت آدمی را از مسیر توحید عملی و اخلاص خارج کرده  
- و گرفتار شیطان و هوس‌های شیطانی می‌کند.

- مانند: دروغ، ظلم به مردم، پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظالم، کسب مال حرام، فسادهای اخلاقی، روابط نامشروع جنسی، تهمت، ترک عبادت‌هایی چون نماز و روزه

ج- برخی از این‌ها، هم زندگی دنیایی فرد را تباه می‌کنند، هم در نسل‌های آینده‌ی او اثر می‌گذارند و هم محصولی از عذاب‌های شدید اخروی را در پی دارند.

د- تلخ‌تر و رنج‌آورتر از این‌ها، نگاه خداوند به انسان‌ها، در هنگام ارتکاب گناه است.

۶۰- سخن امام صادق(ع) به یکی از یاران خود:

چنان از خدا خوف داشته‌باش که گویی او را می‌بینی. پس اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. اگر فکر کنی او تو را نمی‌بیند، کفر ورزیده‌ای و اگر بدانی که او تو را می‌بیند و در عین حال در مقابل او گناه می‌کنی، او را خوارترین بینندگان به خود قرار داده‌ای!

۶۱- حقیقت توبه:

خصلت انقلاب علیه خود: برای بازگشت از گناه است.

به انسان امکان می‌دهد راه رفته را بازگردد و فرصت‌های از دست داده را جبران نماید.

موهبت بسیار گرانبهایی است که خداوند به بندگان هدیه کرده است.

دروازه‌ی رحمتی است که بر روی بندگان گشوده است.

و نام آن را «توبه» گذاشته است.

۶۲- حقیقت توبه:

توبه: یعنی بازگشت

در مورد بندگان به معنای ← بازگشتن از گناه به سوی فرمان‌برداری از خداوند است.

در قرآن کریم برای خداوند هم به کار می‌رود.

برای خداوند ← به معنای بازگشت از عقوبت و عذاب به سوی لطف و آمرزش است.

توجه خاص خدا به انسان از روی لطف و کرم و برای بخشیدن اوست.



۶۳- توبه و پاکی:

توبه،

پاکی از آلودگی‌هاست.

گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست‌وشو می‌دهد.

را «پیرایش» یا «تخلیه» می‌گویند.

۶۴- مراحل توبه:

توبه صرفاً یک کار ظاهری و لفظی نیست، بلکه تحولی درونی و قلبی است که آثار گناه را محو می‌کند.

این تحول درونی بنا بر کلام امام علی (ع) دارای مراحل زیر است:

مرحله اول: پشیمانی از گذشته

مرحله دوم: تصمیم بر عدم بازگشت به گناه

مرحله سوم: جبران حقوق ضایع شده‌ی مردم

مرحله چهارم: جبران حقوق الهی

۶۵- مرحله اول: پشیمانی از گذشته:

الف) پشیمانی حالت درونی است که شخص را دچار اندوه و حسرت می‌کند و شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می‌شازد.

ب) تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی باقی است و از خاطره‌ی آن احساس لذت می‌کند، توبه آغاز نشده است.

۶۶- مرحله دوم: تصمیم بر عدم بازگشت به گناه:

الف) قدم دوم در توبه آن است که شخص تائب، تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد.

ب) اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمه‌ی استغفار، در حال تکرار مداوم گناه، نه تنها پذیرفته نیست بلکه استغفار را بی‌خاصیت می‌کند.

۶۷- مرحله سوم: جبران حقوق ضایع شده مردم:

الف) با این که با دو مرحله‌ی قبل، عادت به گناه از بین می‌رود. اما برخی از گناهان را که به حق‌الناس و حق‌الله مربوط بوده، جبران نمی‌کند.

ب) از این رو فرد باید ستمی را که بر مردم کرده جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آن‌ها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، در حق آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر نماید.

ج) توجه کنیم که حقوق مردم منحصر در حقوق مادی آن‌ها نیست، مردم بر یک‌دیگر حقوق معنوی هم دارند که بسیار مهم‌تر از حقوق مادی است.





۶۸- نمونه‌هایی از حق‌الناس معنوی:

اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده  
اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته شده  
اگر با توزیع کتاب یا فیلم گمراه کننده، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته  
اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده  
در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه کننده با تمام وجود به جبران حقوق از دست رفته پردازد.

۶۹- مرحله چهارم: جبران حقوق الهی

حق خداوند

- حق خداوند بر مردم است که مهم‌ترین آن، حق اطاعت و بندگی اوست.  
- توبه کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود را در پیشگاه خداوند را جبران کند.  
- برای مثال، نمازها یا روزه‌های از دست داده را قضا کند و عبادت‌های ترک شده را به‌جا آورد.  
- البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه‌کار حداکثر تلاش خود را کرده و نتوانسته همه‌ی گناهان را جبران کند، بقیه‌ی موارد را خود جبران و او را عفو می‌کند.

۷۰- توبه اجتماعی:

توبه نیز مانند توحید عملی دو جلوه دارد، جلوه‌ای در فرد و جلوه‌ای در جامعه.

۷۱- توبه اجتماعی:

اگر جامعه‌ای در برخی ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است؛ یعنی نیازمند توبه است.

۷۲- انحراف‌های اولیه‌ی اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شود تا گسترش نیابد و ماندگار نشوند.

رباخواری، رشوه گرفتن، بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم‌پذیری و اطاعت از غیرخدا، از جمله‌ی این بیماری‌ها و انحراف‌هاست.  
راه اصلاح و معالجه‌ی جامعه از این بیماری‌ها انجام وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است.

۷۳- اگر مردم از انجام امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی‌تر و محکم‌تر می‌شوند و تمام سطوح جامعه را دربر می‌گیرند.



۷۴- قرآن کریم از سرگذشت جوامعی یاد می‌کند که از راه راست منحرف شدند و به گناهای بزرگ آلوده گردیدند.  
پیامبران برای بازگشت آنان مبعوث شدند و سال‌های طولانی، مردم را به راه راست دعوت کردند.  
اما جز گروه اندکی، ایمان نیاوردند.  
عاقبت، این جوامع گرفتار عذاب شدند و به سزای اعمال خود رسیدند.

۷۵- اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهود  
تفاوتی اساسی میان آتش که می‌سوزاند، آب که جاری می‌شود، گیاه که می‌روید و حیوان که راه می‌رود، با انسان وجود دارد. هیچ‌یک از این مخلوقات، قدرت انتخاب یک عمل خاص از میان چندین رفتار ممکن ندارد. و این فقط انسان است که همواره در برابر چندین کار و چندین راه قرار می‌گیرد و از آن‌ها یکی را برمی‌گزیند.

۷۶- اختیار، یک حقیقت وجدانی است و هرکس آن را در خود می‌یابد. حتی کسی که آن را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد.



۷۷- شواهد و نشانه‌های وجود اختیار:

۱- تفکر و تأمل:

(۱) در ساعات متفاوت شبانه‌روز تصمیم‌هایی می‌گیریم.

(۲) و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را با سبک و سنگین کردن می‌سنجیم.

(۳) گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چند راه و چند کار، کدام یک را انتخاب کنیم.

(۴) دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی از آن راه‌ها را بر می‌گزینیم و وارد آن می‌شویم.

(۵) این که فردا این کنم یا آن کنیم خود دلیل اختیار است ای صنم

۲- خرسندی پس از کار:

هرگاه در کار خود موفق شویم، احساسی از رضایت و خرسندی از خود، وجود ما را فرا می‌گیرد.

این احساس رضایت نشانه‌ی آن است که آن کار را از خود و نتیجه‌ی اراده و تصمیم عاقلانه‌ی خود

می‌دانیم.

۳- احساس پشیمانی:

(۱) گاه در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و بر اثر این اشتباه به خود یا دیگری زیان وارد می‌شود. در

این هنگام احساس ندامت و پشیمانی به سراغمان می‌آید و این بدان معناست که آن اشتباه، به اراده و

اختیار ما بوده است.

(۲) دو بیت زیر بیانگر همین دلیل است:

گر نبودى اختیار این شرم چیست

این دریغ و خجالت و آزرم چیست؟

و آن پشیمانی که خوردی زان بدی

ز اختیار خویش گشتی مهتدی

۴- مسئولیت‌پذیری و نظام پاداش و جزا:

الف- به‌طور کلی انسان، خود و هم‌نوعان خود را مسئول کارهای خود می‌داند، و بر همین اساس، عهدها

و پیمان‌نامه‌ها را استوار کرده است.

ب- اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیت خود را انجام ندهد، وی را مستحق مجازات می‌شمرند.

نهادهای قضایی و نظام پاداش و جزا نیز نشأت گرفته از همین حقیقت است.

ج- دو بیت زیر بیانگر همین دلیل است:

هیچ گویی سنگ را فردا بیا

ور نیابی من دهم بد را سزا؟

هیچ عاقلی مر کلوخی را زند؟

هیچ با سنگی عتابی کس کند؟



## ۷۸- قدرت اختیار:

الف- گرچه قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکار ناپذیر است،

ب- اما آن چه اهمیت دارد، نحوه ی بهره‌مندی از آن است.

ج- قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است.

د- چه بسیار افرادی که استعداد فکری خارق‌العاده‌ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن استعداد را در جود خود مدفون ساخته‌اند.

ه- چه بسیار افرادی که استعدادی متوسط داشته‌اند، اما با همین استعداد متوسط، دروازه‌های بزرگ علم و دانش را فتح کرده‌اند.

میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور دارد و کسی که شخصیت خود خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می‌پندارد، ← تفاوت بسیار است.

۷۹- انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است، احساس هویت می‌کند. و از اعتماد به نفس و

خودباوری بالایی برخوردار است. در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می‌کند.

تصمیم‌های اشتباه خود را می‌پذیرد و به گردن اموری همچون شانس و اقبال نمی‌اندازد و درصدد جبران برمی‌آید.

## ۸۰- پندارهای ویرانگر درباره‌ی اختیار:

هرچند اختیار انسان امری مشهود و انکارناپذیر است، اما در چارچوب برخی اندیشه‌ها امکان تبیین آن وجود ندارد.

## ۸۱- بینش مادی:

کسی که عقیده دارد جهان منحصر به همین اشیای مادی است. اگر با دقت به نتایج این عقیده‌ی خود توجه کند، متوجه خواهد شد که نمی‌تواند اختیار انسان را توضیح دهد.

۸۲- کسی که می‌پندارد سرنوشت انسان بدون اختیار او رقم می‌خورد و اراده‌ی انسان جایگاهی در تقدیرات

الهی ندارد، پویایی و نشاط خود را در زندگی از دست می‌دهد و بی‌حرکی و عدم احساس مسئولیت بر وی حاکم می‌شود.



۸۳- رواج عقیده ی «جبری گری»، مانند ویروس فلج، تحرک، سازندگی و نشاط را از جامعه می گیرد. و فرصت را برای تجاوزگران و زورگویان فراهم می کند. زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم، قدرت و ثروت به چنگ آورده را موهبت الهی معرفی می کنند و مدعی می شوند این از تقدیر و سرنوشت است که گروهی غرق در نعمت و ثروت، و عده ای در محنت و مشقت باشند. و کسانی که از این نعمات الهی محروم شده اند، به خود حق اعتراض نمی دهند و می پندارند مخالفت آنان، اعتراض به خواست الهی و تقدیر است. برخی دیگر از افراد در فضای جبری گری، مسئولیت گریزی پیشه می کنند. اینان دست به هر کار ناپسندی می زنند و آن را به حساب جبر می گذارند. در حالی که این عمل، چیزی جز سوءاستفاده از اختیار نیست.

۸۴- تاریخ اسلام نشان داده است که مسأله ی جبر و تقدیر جبرگونه، هواره دستاویزی محکم برای ادامه ی حکومت جابرانه ی سیاستمداران اموی بوده است. امویان با طرفداری از مسلک جبر و تبلیغ آن، هرگونه آزادی خواهی و حق طلبی را مبارزه با تقدیر و سرنوشت معرفی می کردند. مبارزه با ستمگری چون یزید، مبارزه با خواست خداست. و چنین مبارزه ای هیچ اثر و نتیجه ای به دنبال نخواهد داشت.

۸۵- کسانی که فکر می کنند اختیار به معنای آزادی مطلق: محور قرار دادن خواست های خود بدون توجه به عواقب و نتایج آن و حتی نادیده گرفتن قانون مندی های حاکم بر جهان خلقت است. اینان، صرفاً برای ارضای میل و هوس های خود وارد عمل شده، در کوتاه مدت یا دراز مدت به تخریب شخصیت خود، نابسامانی های اجتماعی و گاه آسیب رساندن به طبیعت و محیط زندگی می پردازند.

۸۶- زمینه ساز شکوفایی اختیار:

خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره مندی از آن، دروازه های پیشرفت را فتح کنیم و قلله های کمال را بپیماییم و در آسمان هستی تا جایی که جز خدا نمی داند، به پیش رویم.

زمینه ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است. اولین گام رسیدن به این معرفت، اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر است که با حکمت خود جهان را خلق کرده است، و آن را به طوری تدبیر و اداره می کند که همه ی حوادث و رخدادهای جهان، در یک چارچوب سامان دهی شده و قانون مند، بسیار دقیق و حساب شده، و بدون هیچ و عیب و نقصانی در جریان است.



۸۷- نتایج ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه ی او:

اولاً این اطمینان را به انسان می‌بخشد که جهان دارای حافظ و نگهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد. ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی‌پایان آن ناخدا، به هیچ‌وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی‌رود را هیچ کسی جز او نیز نمی‌تواند از نابودی نجات دهد. ثانیاً انسان متوجه می‌شود که با اعتماد به این قانون‌مندی و نظم جهان است که می‌تواند استعداد خود را به فعلیت رساند و پله‌های کمال را طی کند.

۸۸- تبیین قضا و قدر

- ۱- «تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن» است. «قَدْر» و «قَدَر» نیز به معنای «اندازه» است.
- ۲- «قضا» به معنای به «انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن و حتمیت بخشیدن» است.
- ۳- موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، مقَدَّر به تقدیر الهی هستند.
- ۴- موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده ی الهی حتمیت می‌یابند و ایجاد می‌شوند، انجام یافته به قضای الهی هستند.



۸۹- علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت می‌کنند:

۱- علل عرضی:

الف- در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر دخالت کنند.  
ب- مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه‌ای چون باغبان، خاک، آب، نور، و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند.

ج- در این مثال، هر عامل به طور مستقیم نقشی برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.  
۲- علل طولی:

گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این گونه است که ← مثلاً یک عامل در عامل دیگر اثر می‌گذارد و آن عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند.

برای مثال، وقتی که شما قلم به دست می‌گیرید و نامه می‌نویسید.  
چندین عامل در انجام این کار دخالت دارند:

اول، قلم که با حرکت خود روی صفحه جملات را می‌نگارد.

دوم، دست شما که قلم را به حرکت در می‌آورد.

سوم، سیستم عصبی بدن که موجب حرکت دست شما می‌شود.

چهارم، اراده‌ی شما که مقدم بر سه علت قبلی است.

پنجم، نفس یا روح شما که اراده از او پدید می‌آید.

کار نوشتن را به هریک از این عوامل می‌توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هریک از این عوامل نبود،

عمل نوشتن ممکن نمی‌شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد.

قلم می‌نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه‌ی خود محصول کار

سیستم عصبی است. این کار هم ناشی از اراده و اراده هم از نفس شماست. این علت‌ها را «علل طولی»

می‌گویند.

۹۰- اراده‌ی خداوند و اراده‌ی ما

الف- وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده‌ی الهی و خواست اوست.

ب- خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد.

ج- در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌گیرد.

د- اما در عین حال، ما و اراده‌ی ما و عملی که از ما سر می‌زند، در کل وابسته به اراده‌ی خداست.

ه- یعنی اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خداست و با آن منافات ندارد.



۹۱- اختیار انسان، یک تقدیر الهی:

- ۱- وقتی از تقدیر جهان به وسیله‌ی خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این‌ها ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها هستند.
- ۲- تقدیر الهی شامل همه‌ی ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیه‌ی روابط میان موجودات می‌شود.
- ۳- این که آب در چند درجه می‌جوشد، تعداد الکترون‌های هر عضو چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضایی تشکیل شود، کار هر عضوی چه باشد، همه و همه از تقدیرات الهی است.
- ۴- یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد؛ همان‌طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است.

۹۲- تاریخ علم نشان می‌دهد که همین نظام قانون‌مند، به انسان امکان داد تا:

- ۱- دروازه‌های علم را بگشاید.
- ۲- پهنه‌ی دریاها را بشکافد.
- ۳- اعماق اقیانوس‌ها را بجوید.
- ۴- فضای کهکشان‌ها را در نوردد.
- ۵- ابزارهای گوناگونی برای زندگی خود بسازد.

۹۳- گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند تغییر در نگرش انسان‌ها و تحولی بنیادین در شیوه‌ی زندگی فردی و اجتماعی مردم بود.  
رسول خدا(ص) این رسالت بزرگ را از شهر مکه آغاز و با کمک یاران صمیمی خود پایه‌های تمدن اسلامی را چنین بنا نهاد.

۹۴- ۱- اعتقاد به توحید و پرستش خدای یگانه و اعتقاد به معاد (توحید محوری - اصل توحید - مبنا خدا بودن)

الف- در اولین روز دعوت مردم به رسالت آسمانی خود، در دامنه‌ی کوه صفا ایستاد و این‌گونه ندا سر داد:

«ای مردم بگوئید معبودی جز «الله» نیست، تا رستگار شوید»

ب- بدین ترتیب مبارزه‌ی با شرک و محور رسالت رسول خدا(ص) قرار گرفت.

ج- پیامبر اکرم(ص) در کنار دعوت به توحید، افق نگاه انسان را از محدوده‌ی تنگ دنیا فراتر بود، منکرین را با استدلال‌های محکم و آشکار، با حقیقت معاد آشنا ساخت و با عقاید خرافی پیرامون آن به مبارزه برخاست.

د- اعتقاد به توحید و آخرت موجب تغییر نگرش یاران و پیروان ایشان نسبت به جهان هستی و تحول در شیوه‌ی زندگی آنان گشت.





- ۹۵- ۲- مبارزه با تبعیضات نژادی و امتیازات اشرافی و بنای جامعه‌ای براساس عدل (حاکمیت اصل عدالت - نظام مبتنی بر عدل)
- الف- رسول خدا(ص) آمده بود تا مردم را از حکومت طاغوت و ستمگران نجات دهد و نظامی اجتماعی برپایه‌ی قوانین الهی بنا کند، به طوری که روابط اجتماعی مردم بر مبنای دستورات خداوند تنظیم شود. و عدل و قسط مبنای اصلی روابط قرار گیرد.
- ب- ایشان به مردم آموخت که اساس جهان بر عدل بنا شده است. و زندگی آدم‌ها بدون عدل دوام نخواهد داشت.
- ج- آنچه آن حضرت برای تحقق آن تلاش می‌نمود برپا ساختن جامعه‌ای عدالت محور بود که در آن:
- ۱- مظلوم به آسانی حق خود را از ظالم بستاند.
  - ۲- و امکان رشد برای همه‌ی انسان‌ها فراهم باشد، نه این‌که نعمت‌ها و ثروت‌های زمین در انحصار گروهی محدود باشد.
  - د- ایشان از هر فرصتی برای رفع تبعیض‌ها طبقاتی حامی بر نظام جاهلی و فرهنگ مربوط به آن از زندگی مردم و برقراری فرهنگ برابری و مساوات در جامعه، کمال استفاده را می‌نمود. و از هیچ تلاشی در این راه فروگذار نمی‌کرد.
  - ه- رفتار رسول خدا(ص) پایه‌های کاخ اشرافیت جاهلی را فرو ریخت و بنایی باشکوه از بر پایه‌ی کرامت‌ها و فضیلت‌های انسانی برپا ساخت.



- ۹۶-۳- دعوت به تفکر، تعقل، تدبیر و خردورزی و علم دوستی
- الف- رسول خدا(ص) دعوت خود را در جامعه‌ای آغاز کرد که:
- ۱- نشانه‌هایی بسیار اندک از تعقل و تفکر و دانایی در آن یافت می‌شد.
  - ۲- زندگی‌شان سرشار از خرافات و مظاهر جهل بود.
  - ۳- شعر می‌سرودند، اما برای شراب، شکار، غارت، عشق حیوانی و بت.
  - ۴- برای آمدن باران آتش می‌افروختند.
  - ۵- شتر سالم را با آهن حرارت دیده داغ می‌زدند تا شتر دیگری که مریض است بهبود یابد.
  - ۶- اگر گاو ماده آب نمی‌خورد، گاو نر را می‌زدند تا دیو پنهان شده در شاخ‌های او خارج شود.
  - ۷- گفته‌اند در میان این مردم فقط هفده نفر بودند که خواندن و نوشتن می‌دانستند.
- ب- نبی اسلام(ص) آمد تا این آداب جاهلی را نابود کند و مردم را به سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد.
- ج- اولین آیاتی که بر رسول خدا(ص) نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، درباره‌ی دانش و آموختن بود.
- ه- دعوت به تفکر، تعقل، تدبیر و خردورزی در جای جای این کتاب آسمانی مشاهده می‌شود.
- ز- نزول تدریجی آیات قرآن کریم و دعوت مکرر این کتاب به خردورزی و دانش از یک طرف و تشویق‌های دائمی رسول خدا(ص) از طرف دیگر، سدّ جاهلیت و خرافه‌گرایی را شکست و یکی از جاهل‌ترین جوامع آن روز را مشتاق علم ساخت.
- ح- در حالی که در بزرگ‌ترین کشور متمدن آن روز، ایران، فقط بخشی از مردم حق آموختن داشتند، رسول خدا(ص) نه تنها همه را دعوت به علم‌آموزی کرد، بلکه فرمود: «طلب علم بر هر مرد و زن واجب است.»



۹۷- ۴- اعتدال در توجه به ابعاد عادی و معنوی، توجه به تمام ابعاد وجودی (اعتدال‌گری)

رسول خدا(ص) تلاش می‌نمود انسان‌هایی تربیت کند که:

الف- در عین توجه به رستگاری اخروی به عنوان هدف اصلی زندگی، برای رشد و تعالی زندگی دنیوی خود نیز تلاش کنند.

ب- افرادی که هم از زیبایی‌های جهان آفرینش و نعمت‌های خداوند بهره‌ی صحیح را می‌برند. و هم با بندگی و راز و نیاز با خداوند و پایبندی به اخلاق، خود را برای تقرب الهی و رستگاری جاودانه آماده می‌سازند.

ج- انسان‌هایی که در عین توجه به معنویت و اخلاق، از جامعه کناره‌گیری نمی‌کنند و برای عزت و آسایش مردم می‌کوشند و این را نیز وسیله‌ای جهت رستگاری خود قرار می‌دهند.

د- جامعه‌ی اسلامی نه تنها با اخلاق‌ترین و معنوی‌ترین جامعه، بلکه باید آبادترین جامعه نیز باشد.

ه- رسول خدا(ص) افرادی را که به گوشه‌ی عبادتگاهی پناه می‌برند و از مردم کناره‌گیری کرده، به

زندگی خود و خانواده بی‌توجه بودند، سخت مورد نکوهش قرار می‌داد و آن‌ها را از خود نمی‌دانست.

و- از طرف دیگر، افرادی را نیز که فقط به لذت‌های دنیایی سرگرم بودند یا فقط به جمع ثروت و

کسب قدرت می‌پرداختند، هواپرستانی می‌شمرد که به لذت اندک دنیا بسنده کرده و از لذات معنوی

سعادت جاوید آخرت بازمانده‌اند.

۹۸- ۵- احیای بنیان خانواده و منزلت زن

با گرویدن مردم به اسلام: ۱- زن منزلت انسانی خود را کسب کرده، ۲- استقلال مالی به دست آورد،

۳- حضور زن در جامعه با عفاف و پاکدامنی توأم شد، ۴- رابطه‌ی زناشویی به محیط خانواده اختصاص

یافت و ۵- استفاده‌ی ابزار از زن ملغی گردید تا:

الف- خانواده کانون رشد فضایل اخلاقی، دوستی و مودت گردد.

ب- محیط جامعه از فساد و بی‌بندوباری محفوظ بماند.

ج- حریم عفاف و عزت زن حفظ شود.



- ۹۹-۶- تحول در روابط بین ملت‌ها براساس صف‌بندی حق و باطل
- ۱- از اقدامات مهم رسول خدا(ص) ایجاد نگرشی جدید در جامعه بود که موجب تحول در روابط بین ملت‌ها گردید.
  - ۲- تا پیش از آن، پادشاهان، رؤسای قبایل، اشراف و بزرگان، معمولاً روابط خود با دیگران را بیشتر براساس منافع مادی، زیر سلطه در آوردن قبایل و سرزمین‌های یکدیگر تنظیم می‌کردند و مردم را در جهت همین اهداف سوق می‌دادند.
  - ۳- رسول خدا(ص) این صف‌بندی‌ها و جبهه‌گیری‌ها را مردود اعلام کرد و فرمود دو جبهه‌ای که واقعاً در مقابل یکدیگر قرار دارند، جبهه‌ی حق و جبهه‌ی باطل است.
  - ۴- جبهه‌ی حق، جبهه‌ی یکتاپرستی، عدالت‌خواهی، کرامت‌های اخلاقی و در یک کلام، ولایت الهی است. مؤمنان ولایت الهی را پذیرفته و فرمانبردار خداوندند.
  - ۵- جبهه‌ی باطل، جبهه‌ی مشرکان، ستمگران، مفسدان و به تعبیر دیگر، ولایت طاغوت و شیطان است.

